

مرکز عالی: جامعه المصطفی العالمیه - مدرسه تاریخ و ادیان

رشته: تاریخ اسلام / مقطع: کارشناسی

عنوان پایان نامه: زمینه ها و عوامل پیدایش دولت ادریسیان

استاد یا اساتید راهنما: حجه الاسلام والمسلمین دکتر بارانی

استاد یا اساتید مشاور:

دانش پژوه: سید عبدالسلام اللغمیش

تاریخ دفاع: بهمن ۱۳۸۶ / تعداد صفحات: ۹۹

کلید واژه ها: ادریسیان - علویان - بربرها - دولت شیعه - مغرب - اندلس

چکیده:

این پژوهش در سدد بررسی زمینه ها و عوامل پیدایش دولت ادریسیان است. نویسنده به دلیل آن که تا امروز ادریسیان از نظر مذهبی و تمدنی ناشناخته مانده اند پرداختن به این موضوع را ضروری دانسته است. نخستین دولت شیعی دولت شیعی در شمال آفریقا در سال ۱۷۲ هجری قمری با تکیه بر اعتقادات شیعه توسط ادریسیان تاسیس شد که در مدتی کوتاه حوزه فعالیت آن تا دورترین نقاط مغرب اقصی گسترش یافت. تشکیل این حکومت، حاصل یک نهضت اجتماعی، مذهبی و سیاسی بود. آنان توانستند میان قبایل پراکنده ی مغرب وحدتی سیاسی پدید آورده و به نشر و توسعه ی فرهنگ اسلامی و مکتب اهل بیت پردازند.

پرسش اصلی تحقیق، چگونگی زمینه ها و عوامل پیدایش تشکیل دولت ادریسیان در مغرب اقصی می باشد که سه پرسش فوعی دیگر، زمینه های سیاسی، اجتماعی و مذهبی فرهنگی را مطرح می کند. در راستای پاسخ به این پرسش ها فرضیه های زیر مطرح شده است.

۱- عدم رضایت قبایل بربر مغرب اقصی از والیان اموی و عباسی از عوامل سیاسی تاثیرگذار در تاسیس دولت ادریسیان بوده است.

۲- گرایش بربرها به عدالت اجتماعی از عوامل اجتماعی موثر در تاسیس دولت ادریسیان بود.

۳- محبت بربرها به اهل بیت ع از عوامل مذهبی فرهنگی اثر بخش در تاسیس دولت ادریسیان بود.

پیشینه تحقیق: از نگاه نویسنده اگر چه تحققاتی بدر قرن اخیر درمورد حکومت ادریسیان، هم از سوی مستشرقان مانند لیوی چرونسال، استانلی لین پل و دانیل اوستاش، و هم اندیشمندان عرب و ایرانی صورت گرفته و به صورت کلی زوایایی از تاریخ سیاسی ادریسیان را بررسی کرده اند ولی به مساله ی زمینه ها و عوامل پیدایش این دولت کمتر توجه شده است. تفاوت این پژوهش با تحقیقات پیشین در این است که این تحقیق علاوه بر استفاده از پیشینه تحقیق که در

موضوع عام دولت ادریسیان نوشته شده بود، با استفاده از مصادر مهم دیگری مثل کتاب های انساب، رجال، سکه شناسی، مستشرقان و غیره بر آن است نگاهی کامل تر و مفیدتر به زمینه ها و عوامل مختلف پیدایش دولت ادریسیان داشته باشد.

منابع و ماخذ مورد استفاده این پژوهش شامل تاریخ های محلی مغرب و افریقه، منابع عمومی تاریخ، کتاب های جغرافیایی، کتاب های انساب، رجالی، حدیثی، فرق و مذاهب و پژوهش های جدید می باشد که تحت ده عنوان بسته بندی شده اند.

این پژوهش در چهار فصل تدوین شده است. در فصل اول پس از تبیین طرح تحقیق و معرفی منابع، به بررسی محدوده جغرافیایی مغرب اقصی و ساکنان اصلی آن منطقه که بربرها بودند، شعوب و بطون نژاد بربر و خصوصیات آنها، وضعیت مغرب اسلامی پیش از فتح توسط اعراب مسلمان، فتوحات مسلمانان در مغرب اسلامی از ابتدا تا فتح کامل مغرب اقصی، دوره ی والیان اموی و عباسی و شیوه حکومت ظالمانه ی آنان نسبت به بربرها پرداخته شده است. در ادامه ضمن معرفی اجمالی دولت ادریسیان و شخصیت ادریس به اعتقادات و روابط ادریسیان با خلافت عباسی، فاطمیان و امویان اندلس به گونه ای مختصر اشاره شده است.

در فصل دوم با توجه به اوضاع نیمه ی دوم قرن دوم در مغرب اقصی به زمینه ها و عوامل سیاسی پیدایش دولت ادریسیان پرداخته شده است. در آستانه ی فتح اسلامی مغرب اقصی در نتیجه ی اعمال استعماری امپراتوری روم شرقی دچار پراکندگی و تشتت بود و بربرهای منطقه دچار دو دستگی له و علیه رومی ها بودند. از این رو فتح مغرب توسط مسلمانان به سهولت صورت پذیرفت. بعد از ورود اسلام به مغرب تعداد زادی از بربرها که به دین اسلام درآمده بودند، به لشکریان مسلمان پیوستند و زیر پرچم اسلام به جهاد پرداختند. از میان قبایل بربر مغرب اقصی، دو قبیله ی بتر و برانس دعوت مسلمانان را پذیرفتند که قبیله ی برانس با توجه به ویژگی های تمدنی بیشتر، به مفاهیم اسلامی نزدیکتر بوده و زیر مجموعه های آن نظیر کتامة و صنهاجه توانستند دولت های بزرگی را در مغرب تشکیل دهند. بترها اما بعدها تغییر عقیده دادند و جذب خوارج شدند. بربرها با پذیرش اسلام امیدوار بودند حقوقی همانند مجاهدین عرب برای آنان قرار داده شود، ولی در بیشتر مواقع چنین نشد. سرزمین مغرب پس از فتوحات بخشی از قلمرو بزرگ دولت اسلامی شد که از مرکز خلافت والیانی برای اداره ی امور آن تعیین می گردید. دوره ی والیان در مغرب اقصی با تاسیس حکومت ادریس بن عبدالله پایان یافت. عصر والیان به دلیل عملکرد بد و نامناسب والیان با بربرها شاهد اعتراضات گسترده و آمادگی حمایت آنان از هر قیامی علیه عرب هستیم. دلیل شکل گیری دولت های مستقل هم، نارضایتی قبایل بربر از والیان عباسی و اموی بود. به لحاظ سیاسی دلایل موفقیت ادریسیان را می توان در عوامل سیاسی جغرافیایی، سیاسی اجتماعی و سیاسی فرهنگی خلاصه کرد. به لحاظ جغرافیایی مغرب اقصی شرایط بسیار خوبی برای وحدت سیاسی داشت. کوهستانی بودن و سختی عبور و مرور، تاثیرپذیری مغرب اقصی را از حوادث خارجی کمتر کرده بود و این عوامل باعث شده بود تا عباسیان تسلط کمتری بر منطقه داشته باشند. به لحاظ سیاسی اجتماعی، قبایل بربر گرایش به حفظ استقلال و هویت سیاسی خود و جدایی از مرکز خلافت داشتند و ادریس بن عبدالله با درک این نکته از آن به بهترین وجهی سود برد. از نگاه سیاسی مذهبی، مغرب اقصی از اختلافات و عصبیت های مذهبی و قومی قبیله ای مانند تضادهای عدنانی قحطانی و شیعه و سنی که در مناطق مرکزی نظیر عراق و حجاز وجود داشت دور بود. از سویی بربرها به خاندان پیامبر و اهل بیت عاطفی شدیدی ابراز می کردند. این عوامل باعث جذب بربرها به ادریس بن عبدالله به عنوان سبط پیامبر گردیده بود.

در فصل سوم با عنوان زمینه ها و عوامل اجتماعی پیدایش دولت ادریسیان، اوضاع اجتماعی مغرب اقصی در آستانه تاسیس دولت ادریسیان بررسی شده است. به زعم نویسنده اوضاع خاص اجتماعی این دوره، در بسترسازی برای تشکیل دولت ادریسیان نقش مهم داشته است. این عوامل، بخشی به گرایش خاص قوم بربر در مغرب اقصی و بخشی به مسایل خاص علویان و شیعیان باز می گردد. مغرب اقصی در آستانه ی تشکیل دولت ادریسیان، عصر والیان را تجربه می کرد. بجران های سیاسی پی در پی، درگیریهای والیان با بربرها، منازعات خوارج با حکومت های مرکزی و جنگ های قبلیه ای رایج در مغرب و مهمتر از همه توجه امیران و دولت مردان به امور نظامی و بی عنایتی آنان به مسایل اقتصادی، شرایط سیاسی اجتماعی بود که شمال آفریقا، به ویژه م غرب اقصی تجربه می کرد. در چنین شرایطی بود که ادریس بن عبدالله فعالیت و دعوت سیاسی خویش را آغاز کرد. عواملی چند زمینه های موفقیت او را فراهم کردند. نارضایتی بربرها از خلافت عباسی و گرایش آنان به عدالت اجتماعی و برابری، وابستگی ادریس به خاندان پیامبر، درگیری ها و تشتت نژادی بربرها که می توانست در سایه ی وجود ادریس کم رنگ شود، توجه ادریس به نشر و گسترش آموزه های اسلامی برخلاف بی توجهی والیان عباسی به این امر، و شخصیت خود ادریس و دارا بودن صفاتی مانند علم، اخلاق، زهد و تواضع از جمله ی این عوامل بودند.

در فصل چهارم اوضاع مذهبی - فرهنگی مغرب اقصی در آستانه ی تاسیس دولت ادریسیان مورد توجه قرار گرفته است. اوضاع فرهنگی مذهبی که بسیار در فراهم سازی زمینه های تشکیل دولت ادریسی نقش ایفاء کرد. زمینه های این حوزه بیشتر به علاقه و رابطه ی اقوام بربر به خاندان اهل بیت برمی گردد. بربرها پس از پذیرش اسلام نسبت به اعمال شریعت و احکام دین مقید و متعصب بودند. نفوذ اسلام و سنت نبوی در بین قبایل بربر، به گونه ای بود که داعیان و دعوتگران، قیام خود را قیامی برای برپاداشتن سنت های دینی و اسلامی معرفی می کردند. بعد از سقوط بنی امیه و رو ی کار آمدن والیان خلافت عباسی در منطقه شمال آفریقا، همه مذاهب مشهور دین اسلام در سرزمین مغرب موجود بودند. اما مهمترین فرقه ای که با قدرت و شهرت در مغرب نقش داشت، خوارج بودند. آنان نخستین فرقه ی مسلمان بودند که توانستند بربرها را به خود جلب کنند و اولین حکومت مستقل در مغرب را پایه گذاری نمایند. عوامل و شرایطی که کار را برای خوارج فراهم و تسهیل کرده بودند، برای ادریس هم همان زمینه ها را مهیاء و آماده نموده بودند. علاوه بر آن ها ادریس از فاکتورهای مثبت دیگری هم برخوردار بود. وی منسوب به خاندان پیامبر بود و این امتیازی بود که دیگر دعوتگران از جمله خوارج از آن برخوردار نبودند. هم چنین گرایشات شیعی که در میان مغربیان وجود داشت. سابقه ی تشیع در مغرب به قبل از تشکیل حکومت ادریسیان بر می گردد. با شکست قیام های شیعی در شرق اسلامی، آن ها مناطق دوردستی چون مغرب را انتخاب می کردند که از مرکز خلافت دور بود و اعزاز نیروهای نظامی خلافت یا هواداران آن را مشکل و گاهی ناممکن می نمود. حضور تعداد زیادی از صحابه و تابعین در حملات اولیه ی سپاهیان مسلمان، هم چنین ورود خاندان های عرب دوستدار اهل بیت به مغرب، رابطه ی نزدیک ائمه و بوی اوصحاب ایشان با بربرها، و رابطه ی نسبی برخی ائمه با بربرها، زمینه های گرایشات شیعی در منطقه را فراهم کرده بودند.

علاوه بر این ها شخصیت و عملکرد ادریس و برخورد مناسب وی با اقوام بربر، اختلاط ادریسیان از طریق ازدواج با اقوام بربر، مدارای مذهبی با رعایای سنی و آزاد گذاشتن ایشان در مذهب شان، را می توان از عوامل تاثیر گذار در شکل گیری و پایایی دولت ادریسیان به حساب آورد.